

اهداف و برنامه های پژوهشی و ترویجی حمید رجایی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين

بخش نخست، زیربناهای نظری رجایی [1]

مقدمه

پس از سی و اندی سال تحصیل و تحقیق در حوزه و دانشگاه و سال ها مطالعه، مباحثه و تفکر و اندیشناکی در باب معرفت دینی، آرمان های جامعه اسلامی و بررسی و نقد اندیشه ها و آراء گوناگون در حوزه فلسفه علوم انسانی و اسلامی، به تناسب حوزه های تخصصی و مطالعاتی ام (دروس حوزه، الهیات، فلسفه و فلسفه علم، علوم ارتباطات، هنر، زیبایی شناسی، مباحث رسانه شناسی و...) به یک دستگاه فکری دست یافته ام. دستگاهی که تبیین کننده «چگونگی تولید و رفتار علم در سپهر معرفت بشری» است. این دستگاه، توضیح می دهد که معارف اسلامی با دیگر علوم بشری و تازه های آن، چگونه تعاملی برقرار می کند و معرفت دینی چگونه می تواند در علوم دیگر بتابد و برویاند و همچنین خود، نو و روزآمد شود و در قامت یک «علم اسلامی» ظاهر شود؛ بی اینکه دچار دسیسه های معرفتی نسبیت گرایی، التقات، تحجر و روشنفکرآمبی شود. چگونه می تواند پویا و پایا و پاسخگو و با کفایت باشد و بماند و میراث گران عالمان بزرگ اسلامی را پاس بدارد...

سال ها، این دستگاه را چکش کاری کردم، به بحث گذاشتم در کوره ها و کوران های نقد قرار دادم و اما اینک می باید حلقات آن را به رشته تحریر درآورم، تا باز هم ناقدان آن را بکاوند و اگر در آن گوهری هست، برگینند و اگر ناسرگی در آن یافتند بزدايند تا آبگینه اش شفاف شود. جویندگان حقیقت، در نقد اندیشه هاشان، جشن می گیرند تا جام شرابشان طهور و طهورتر شود... می خواهم که این جشن به زودی برپا شود.

این طور فهمیدم که گام نخست در این کار، به ناچار، تبیین یک نظریه معرفت شناختی است.

نظریه معرفت‌شناختی، موظف است تا تبیین‌های بنیادین علم را بر پیشخوان نهد. نه فقط در حوزه معرفت و تولید علم، بلکه در همه ساحت‌های علمی و عملی، نظریه، حرف اول را می‌زند. بدون داشتن نظریه، نمی‌توان در علم و عمل موفق بود. دستکم در زمینه معرفت‌شناسی تولید علم، ما حتماً نیازمند نظریه معرفت‌شناختی نو و کارساز هستیم. در پی، دریافتیم که علم انسانی اسلامی معنای محصل و صحیحی دارد. اما نه آن‌گونه که گاهی با سطحی‌نگری‌ها، نفی و اثبات می‌شود. تجزیه و تحلیل و واری رفتار علم بر زمینه‌های گوناگون^[2] مرا متوجه تعامل گسترده علوم با یکدیگر کرد؛ آن‌سان که گویی جهان علم، جهانی تماماً یکپارچه است و حتی روش‌های گوناگون علوم، در پس پرده، از یک روش واحد عام تر مشتق شده‌اند. از این‌رو، به روش‌شناسی علم راه‌گشودم و اندک‌اندک تحولات معرفتی را دسته‌بندی و شناسایی کردم و دانستم که داستان تحولات فهم، منطق فاخری دارد و عالمان بطور آشکار و نهان، بر کاخ معرفت، عس‌عس‌ها و نگهبان‌ها می‌گمارند و هر تحولی را نمی‌پذیرند. منطق اکتشاف علم، مانع هرج و مرج علم است و هر علم محکماتی دارد که مماس با حقیقت است و متشابهاتی دارد که می‌تواند یا نقض شود یا به نوعی بنیادین بازتقریر گردد. در هر حال، ثبات و تحول در علم هست و باید ثبات و تحول‌شناسی هم در فلسفه علم، بابی گشاده و گشوده داشته باشد. **مهم‌ترین مسئله عصر ما، حل مسائل ثابت و متحول است.**

معارف اسلامی، باید در قالب علوم اجتهاد شده، عرضه شوند. منابع دین، یعنی قرآن و سنت و عقل، فقط باید بدست مجتهدان دین، فرآوری شوند و در قامت یک علم دینی، مانند فقه اسلامی، کلام اسلامی، اخلاق اسلامی و فلسفه اسلامی و... عرضه شوند. قطعاً با واری سطحی چند آیه و حدیث، نمی‌توان مثلاً (حتی) علم اخلاق اسلامی را بنیان کرد. این علم نیز باید مانند علم فقه، از کوشش‌های مستمر و روشمند و مباحثه‌شده عالمان دین بیرون بترآورد. هر علم، نیازمند متن درسی و کرسی و پژوهش و مکتب و روش و پیشینه و آزمودگی است. دانشسرا باید در حیطه آن علم تجربه زیسته داشته باشد. گو اینکه برای بنا کردن تمدن اسلامی باید هر علمی در جای خود، بخوبی تولید شود و به بلوغ برسد چرا که تمدن‌ها همه چیزخواه‌اند.

به موازات، اندیشناک این بوده و هستم که حوزه علمی چگونه می‌تواند به حسب مأموریت خود، برای اضلاع پیچیده تمدن اسلامی، دانش تولید کند؟ برای این کار باید نظام معرفتی حوزه، روزآمد بماند و پویایی خود را در عمل بنماید. باید نظام معرفتی حوزه رو به کمال برود و برای آن کار باید آن نظریه معرفت‌شناختی، توش و توان این کار را داشته باشد و راز پویایش نظام معرفتی را در تعامل با نظام آموزشی، تبلیغی و معیشتی تبیین و افشا کند.

پس از این کوشش‌ها و کاوش‌های سی و چند ساله، اولین کتابم را در این راستا به رشته تحریر درآوردم: «فلسفه علم، برای تبیین علوم انسانی اسلامی و ارتقاء نظام معرفتی حوزه»^[3] اما این آغاز راه بود. باید در پرتو این نوع نگاه به علم، توضیح بدهیم که مثلاً جامعه‌شناسی و رسانه‌شناسی اسلامی چه صور معقول و مفروضی دارد؟ و در پرتو کدام کاوش‌ها، فراهم می‌آید؟ به همین رو، برای خود هدفی در نظر گرفتم. **پژوهش و نگارش آثار عمیق و تخصصی در این حوزه تا پایان عمرم.** تخصصم در دروس حوزوی و در علوم الهیات و دوران تحصیل در حوزه قم و

«مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی قم»^[4] و از سویی و تحصیلاتم در «دانشگاه صدا و سیما»^[5] در رشته ارتباطات^[6]، و سال‌ها پژوهش و تدریس مباحث گوناگون (خاصه فلسفه علم و خلاقیت علمی) موجب شد تا اطلاعات پردامنه‌ای در اختیارم قرار گیرد و با علاقه در زمینه‌های زیادی مطالعات جدی و تدریس (و حتی تولید تلویزیونی^[7]) داشته باشم: رسانه، ارتباطات با زمینه‌های فرهنگ‌شناسی، عصب‌شناسی، زیبایی‌شناسی، زبان‌شناسی، تصویر، موسیقی، سینما، تلویزیون، برنامه‌سازی و تهیه‌کنندگی، نویسندگی (فیلمنامه و متون نریشن و...)»

آهنگ من این است که پس از نگارش کتاب «فلسفه علم برای تولید علوم انسانی اسلامی و ارائه راهکارهای ارتقاء نظام معرفتی حوزه» و کتاب «آفرینندگی، تفکر جانبی و باور دینی»^[8]، آثاری را در موضوعات فلسفه علوم انسانی اسلامی و تبیین چیستی و چونی علم اسلامی در عصر آینده و مباحث رسانه‌شناسی، فرهنگ‌شناسی و آینده‌پژوهی و... بنگارم. این کار توفیق الهی و تمرکز و فراغت می‌خواهد.



مبانی نظری برنامه‌های پژوهشی رجایی

برای اینکه جوامع بشری، از رنج توسعه نیافتگی برهند و بتوانند جهانی پاکیزه و انسانی و الهی را شکل دهند؛ باید تکلیف خود را با «خداوند، خود، یکدیگر، طبیعت و علم» روشن کنند. دینداری، اخلاق فردی و اجتماعی و علم و علم‌آموزی، آزادی اندیشه و بیان موسع و ساختارهای درست سیاسی و اقتصادی و... مهم‌ترین کلیدهای پیشرفت هستند. این «تفکر» یک جامعه است که موتور فرهنگ، اقتصاد، سیاست، حاکمیت و... را روشن می‌کند و جامعه را به پیش می‌راند. یک نظریه و ندیشه منسجم و تبیین‌گر بسا می‌تواند این موتور را روشن کند و پویایی را موجب شود.

الف. ادوار عبرت آموز بشری

1. یکی از عبرت‌آموزترین اعصار و تجارب بشری، «قرون وسطا» و پس از آن «عصر

روشنگری» است. «تعالیم خشک و مدرسه ای کلیسا»^[9]، در آن روزگار تاریکی، به جهل و ریاضت های سخت خودساخته و بدعت آلود ارباب کلیسا، آغشته بود و روشنگری ها، گاه هر یک با سقوط یکی در بیراهه همراه بود. در بیدادگاه کلیسا، محاکمه هایی رخ می داد که امروزه بسی مایه تأسف و اعجاب است. پس از آن، دوران روشنگری در علم، هنر و اندیشه آغاز شد و علم اندک اندک طنینی رقابتی با دین پیدا کرد و انتقام خود را از ارباب کلیسا گرفت و عصرنوزایی با آمیزه ای از خشم و نفرت و عشق آغاز شد. علم، این بار با انقلاب در روش و ساحت و غایت و تحولات سهمگین

در «انگاره»^[10] آغاز شد. البته اروپا و سایر کشورهای حوزه مسیحیت به هیچ رو، دین را کنار نگذاشتند؛ بلکه قرائت جدیدی را بر مذهب و کلیسا حاکم کردند که در نگاه عمیق دین شناختی باید گفت؛ نه مسیحیت قرون تاریکی و نه دوران نو، هیچ کدام برگرفته از متن دین و تعالیم حضرت مسیح، علی نبینا و علیه السلام نبود و نیست. دوران جدید بشر، علی رغم زیبایی های بی نظیر خود، اما، گرفتار نارسایی های جدی و عمیقی است. -فن آوری لجام گسیخته، مهجوریت اخلاق اقتصادی و سیاسی و جنگ آفریزی و زیاده خواهی دولتمردان، گسترش بی رویه «حق مداری انسان ها»، فارغ از «تکلیف مداری» (در برابر خداوند و اخلاق) از جمله نگون بختی های مهم انسان غربی است. اگر چه تکلیف مداری افراطی نیز در مشرق زمین آسیب های جدی خود را دارد.

2. دوره عبرت آموز دیگر این بود که این سوی دنیا، خورشید آخرین پیامبر جهان، «محمد رسول الله» (صلی الله علیه و آله و سلم) با تابش بی کرانش، در صحرای خشک و تاریک «حجاز» طلوع کرد؛ خورشیدی که می تابید و می رویاند! طنین دل انگیز خداوند در جان ها پیچید و به انسان گفت «بخوان!»... ارزش دانش در تعالیم این پیامبر واپسین، بیکران بود و همین شد که به سرعت دانش و تمدن با شکوهی شکل گرفت. از بیابان گردان فاقد تمدن، در قرن چهارم و پنجم هجری (میانه قرن هشتم میلادی تا میانه قرن سیزدهم میلادی) هنگامه ای پیا شد.^[11] علوم یونانی، هندی، ایرانی و سریانی به زبان عربی، ترجمه شد. آن گاه که در قرون نهم تا دوازدهم، اروپا در ظلمت و بربریت و افول بود. در دامن اسلام «هنرمندان، صنعتگران، فیلسوفان، دانش پژوهان، شاعران، جغرافی دانان، مهندسان، نویسندگان، شیمی دانان، فیزیک دانان، پزشکان، بازرگانان و دیگر دانشمندان جهان اسلام، طالع شدند. پیشرفت و تکامل دانش ها و فنونی از قبیل کشاورزی، هنر، اقتصاد، صنعت، حقوق، ادبیات، دریانوردی، فلسفه، شیمی، فیزیک، جامعه شناسی، پزشکی و غیره، شگفت انگیز است. «اندلس» به سان پلی علم و دانش تقریر شده در دامن اسلام را به سوی اروپا کشید. اروپا اندک اندک از رخوت بیرون آمد، در پرتو دانش مسلمانان، اروپا خیزش ترجمه را آغاز کرد. هوشمندان جامعه از تاریکی و بی فروغی شده خسته بودند. کتاب های گران قدر علوم اسلامی را از عربی به لاتین ترجمه کردند.

3. دوره سوم که در عصر معاصر، دوره ای بی نظیر است، دوره «انقلاب اسلامی ایران» است که در عصر جدید و در تاریخ اسلام، پدیده ای عظیم و بی سابقه است... اسلام حاکمیتی، مطالبه اسلامی سازی شؤون حیات فردی و اجتماعی، تلاش برای اظهار

وجود در جهان و کنار زدن دست چپاول از اموال و نفوس مردم، ایجاد وحدت و اخوت میان «حوزه و دانشگاه» و «علم و دین و سیاست» و «توسعهٔ فقه اکبر» (دین شناسی) از جمله مهم‌ترین انگیزه‌ها و کوشش‌های پس از انقلاب اسلامی است.

ب. پیشرفت بومسازة ایران

اما پیشرفت جوامع و گام‌زدن در راه توسعهٔ همه‌جانبه، به این سادگی نیست. توسعه در بومسازة^[12] ایران باید با قرائتی درست از اسلام، انسان، جهان و با تعامل درست با علم صورت پذیرد. علوم فرآمده از راه استقراء، باورهای دینی و قرائت‌های دینی ناآشنا با توسعه، روابط بین الملل، هندسه و جغرافیای سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و رسانه‌ای عصر جدید، ایجاد موازنه‌ای عقلانی (عقلانیت ایمانی) میان شئون حیات جامعه و دیدن واکنش‌های هر کُنش، و مدیریت واکنش‌ها، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌ها و مسائل و مصائب پس از انقلاب اسلامی است. فرآمدن دو دیدگاه عمده «اصول‌گرایی» و «اصلاح‌طلبی» در این روند و فرآیند، خود از قبیل دو سنخ شیوه، برای حلّ مسائلی از این قبیل است.

ج. عصر حسّاس کنونی

عصر حسّاس کنونی، لزوماً عصر انبوهی طاعنان و دشمنان اسلام نیست. حسّاسیت عصر، گاه مربوط به نارسایی «معرفت دینی»، در تبیین مسائل انسانی و تبیین دقیق و عالمانه راه مسلمانی کردن در مناسبات جدید معرفتی و اجتماعی بشر است. دین اسلام، کامل است؛ اما دین‌شناسان، لزوماً همهٔ معارف دین به کمال و صحّت را فراهم نکرده‌اند. دین، معدن دانش بسیار و چشمهٔ جوشان علم است و او که گمان دارد همهٔ دریای علم دین را در سینه دارد، بسیار در اشتباه است (مگر اینکه نبی یا وصی نبی باشد)

مسئولیت و حسّاسیت عصر ما بدلیل در مسند قرار گرفتن «معرفت دینی»، برای ادارهٔ جامعه، صد چندان شده است و نارسایی‌های علوم حوزوی، می‌تواند مسلمانی کردن جامعه را دچار دشواری کند. فقه سیاسی، فقه اجتماعی، فقه رسانه، فقه حکومت، فقه روابط بین الملل، فقه مدیریت فرهنگی و... همه و همه باید به سرعت با همداستانی 1. معارف اسلامی و 2. سایر علوم و 3. عقلانیت ایمانی، و 4. بهره از تجارب بشری تولید شود. مراد از «علوم انسانی اسلامی»، طرد و نفی گزاره‌های تولید شده در کهکشان معرفت بشری نیست. بلکه «پیکربندی و نوسازی دانش در تعامل با منابع و روش و غایات دین» است.

د. نقش نظریه، در توسعه ایران اسلامی و نمونه های آن

نافیلسوفان، به سختی می توانند درک کنند که توسعه و تدبیر جامعه و فرهنگ و تمدن، بدون نظریه امکان پذیر نیست. چه در یونان باستان، چه در اروپای قرون وسطا و چه در عصر مدرنیته و پسامدرن و چه در ایران اسلامی، این نظریه ها هستند که بافتار و ساختار یک جامعه را شکل می دهند. البته در این میان، یک چالش دشوار وجود دارد و آن اینکه گاه، نظریه ها، ارتكازی (ناپخته و ناخودآگاه) و غیرتدوینی (متنی نشده) هستند. به این معنا که یک جامعه بر اساس دیدگاه هایی نامدون و نامصرح و مبهم، ساختارها و گفتمان ها را شکل می دهد و در بخش های زیادی با ابهامات و با معانی شناور، به پیش می رود.^[13] اینجا هم یک نظریه وجود دارد و اما وجوه نارسایی خود را، با دیدگاه های ارتكازی^[14] پر کرده است.

پس از انقلاب با شکوه ایران، فقه و دین شناسی فراهم شده حوزوی که پس از انقلاب «لوح راهنمای جامعه ایران» شد، بسا نارسایی های خود را در برخی زمین ها، آشکار کرد؛ امام خمینی، بنیان گذار جمهوری اسلامی، از یک سو، بر فقه سنتی تاکید داشتند و تخلف از «فقه جواهری» را جایز نمی دانستند و از سوی دیگر، «فقه مصطلح» در حوزه ها را نیز برای اداره جامعه، کافی نمی شمردند و دارای کاستی هایی می دانستند.^[15]

البته توانمندی های زیادی نیز در حوزه معرفت دینی، وجود داشت و دارد. «نظریه ولایت فقیه، اسلام حکومتی، عدم جدایی دیانت از سیاست و... از جمله مهم ترین اصول نظریات ایران پس از انقلاب اسلامی است. این نظریات فروزان و تابناک ایران اسلامی را دیگرگون ساخت (نقش نظریه در این جا آشکار می شود)

ه. فقه اکبر و فقه اصغر

فقه، اگر در پی «فهم و تبیین حلال و حرام و حق و تکلیف» باشد، «فقه اصغر» نامیده می شود و اگر شامل این و «تبیین حداکثری معارف دین» باشد، «فقه اکبر» نامیده می شود. فقه اکبر، پیوسته باید در حال جوشش و گسترش باشد. زیرا مسائل پیش روی انسان، هر روزه نو می شود و مسائل تازه از جهات مختلف برمی جوشند و ذاتی مطالبه-گرانه دارند... فقه و فقیه هر دو باید در همه ابعاد پویا باشد. برای دستیابی به این هدف، باید حوزه های علمیّه، روزآمد شوند.^[16]

و. آیا فقه ما پویا است؟

فقهی که اینک محصول کوشش های بی دریغ و جانکاه و خالصانه عالمان بزرگ دین است، از

جهاتی، به اندازه کافی، پویا و نو شونده هست و نیاز جدی و عمیقی برای پویاسازی آن حس نمی شود (پتانسیل پویایی را در خود دارد) اما اگر فقیه و دانشسرای اسلامی، به اندازه کافی پویا نباشد، باید به سرعت برای پویا شدن آن، فکری کرد: زیرا جامعه و تمدن برای رفع حاجت معرفتی خود، معطل نمی ماند.

ز. خلاءهای جدی در مسیر توسعه ایران اسلامی

ما در جهانی به هم پیوسته زندگی می کنیم. این جهان جدید، گسترده، پرشتاب، پیچیده و درهم تنیده است. علوم، فرهنگ ها، ساختارها، دیدگاه ها و نظریات و مناسبات جدید اقتصادی، فرهنگی انسان ها و جوامع، جغرافیای حیات انسان را دگرگون کرده است. انسان ها و ملت ها، از طریق «جهان رسانه ها» به هم متصل شده اند و «دیالوگ»، مطلقاً امری اجتناب-ناپذیر شده است. «دینامیسم اندیشه و تفکر» خودبخود موجب تعاملات علم ساختی^[17] (اصط.رجا) و فرهنگ ساختی می شوند و به ناچار بر هم تأثیر همکنشی^[18] می گذارند. توسعه و پیشرفت اگر چه وجهی بومی و منطقه ای دارد و اما در جهان جدید به فرایندی جمعی و به هم پیوسته تبدیل شده است. جهان جدید، جهان شتاب و تحولات سریع نیز هست. این شتاب به گونه ای در جامعه امروزین بشر حاکم شده است که می توان گفت شتاب، خود را هم در می نوردد و به طور تصاعدی افزون می شود! آشتی دادن میان «ثابت» و «متحول» یکی از مهم ترین دغدغه های همه انسان ها و جوامع امروز است.

چنانکه گفته شد، یک تمدن، همواره برای ادامه حیات خود، باید نظریه های کارآمدی را برای تدبیر خود تولید کند. اگر چه در بومسازة ایران، اسلام، شیوه و «سبک زندگی» کارآمدی است؛ اما این اجتهاد پویا و پیشرو است که می تواند «ثوابت معرفتی» را با «متحولات معرفتی» سازوار کند و احکام ثابت را بر موضوعات نوین جامعه، اسناد دهد و به پرسش های تازه، پاسخ هایی نو و درخور بدهد و میان جهان های خود، هماهنگی ایجاد کند...

ح. جهان سه گانه بشر

همه انسان ها، جوامع نخبگانی و غیر آن، با سه جهان مواجه و در تعامل اند:

الف. **جهان عین** (خود هستی: خداوند، عوالم، جهان ماده و همه آنچه بر آن حاکم است)

ب. **جهان ذهن و ضمیر** (همه آنچه ما از جهان می دانیم و در سبد دانش بشری، گردآورده ایم. جهان ذهن، در حوزه نخبگانی جهان علم است و در حوزه عمومی جهان فرهنگ ها و سلیق و تفسیرهای عرفی و فرهنگی^[19] ما آن در «فرهنگنامه رجا»، سپهر معرفت [20] نام نهاده ایم.

ج. **جهان رسانه ها** (همه آن چه در کتاب ها و مطبوعات و مسطورات خود ذخیره کرده ایم: مانند فیلم ها، حتی موسیقی و... = جهان نسخه ها [21])

جهان عین، جهانی است که ما در صدد شناختن و تعامل با آنیم. جهان ذهن، جهانی است که در آیینۀ ذهن ما از جهان عین افتاده است و ما در تلاشیم که آن را هر چه بیشتر با جهان عین، تطبیق دهیم [22] و مشابه کنیم و جهان رسانه ها و کتابخانه ها، جهانی است که ما اندیشه های خود را در آن ثبت و منتشر کرده ایم. [23]

و [24]

ط. ما در جهان علم زندگی می کنیم

علی رغم آنچه تصور می شود، ارتباط ما با جهان ذهن و علم، بیشتر از ارتباطمان با جهان عین است. ما از طریق جهان ذهن، با جهان عین، ارتباط داریم و این جهان علم و فرهنگ است که خانه و کاشانه ما را ساخته است. همه انسان ها، در گرو ساختار و بافتار و پُریضاعتی و کم بضاعتی جهان ذهن خود هستند و همه کوشش انبیاء و دانشمندان، برای ترمیم جهان ذهن و ضمیر انسان ها بوده است. تکامل انسان ها نیز، رهین تکمیل جهان ذهن و ضمیر آدمیان است.

ی. نقش جهان ذهن و جهان فرهنگ

توسعه یافتگی یا عقب ماندگی جوامع به کم و کیف جهان ذهن و ضمیر برمی گردد. چه بسیارند کشورهایی که دارای منابع غنی اقتصادی هستند و اما جهان ذهن فرسوده ای دارند. جهانی که پر از گره های کور و نارسایی ها و خود درگیری هاست و چه بسیارند کشورهایی که منابع بسیار ندارند و اما جوامع توسعه یافته و مرفهی هستند [25]؛ به این دلیل که جهان علم و فرهنگ به سامانی دارند. یک جامعه، بدون توسعه در علم و انبوه سازی علم، در ابعاد دیگر توسعه پیدا نمی کند. بواقع، توسعه، حاصل علم نیست، محصول انبوه سازی علم است. «علم انبوه» [26] در جامعه، خود موتور توسعه اخلاق، فرهنگ، اقتصاد، آزادی، قانون و سایر شئون بشری است. اگر می خواهیم کشوری آباد شود، باید علم را در آن جامعه، انبوه و عمومی کنیم.

ک. جایگاه فلسفۀ علم و معرفت شناسی در توسعه جوامع

فلسفۀ علم، اگر چه در نگاه اول، دانشی 1. عبوس، پیچیده، دورافتاده، بسیار تخصصی و دارای فواید بسیار نهان و نامحسوس، به نظر می رسد؛ اما بواقع چیزی جز شناخت مجدد و واریسی درجه

دومی «جهان علم» نیست. فلسفه علم؛ علم به علم و علوم است. رصدخانه کیهکشان علوم است و در کار «توصیف مکانیسم علم» و «توصیه» برای بهبود آن است. فلسفه علم به ما توضیح می دهد که رفتار علم چگونه است و زمینه های تولید و رشد علم کدام اند و چگونه می توان این گیاه نازنین را در بومسازة معرفتی یک جامعه رویاند و چگونه می توان موانع رشد علم را در یک جامعه سوزاند... فلسفه علم، علم توسعه است... فلسفه علم، نظریات علم شناسی، فرهنگ شناسی، رسانه شناسی و مدیریت علم و فرهنگ و ... موتور توسعه جوامع نوین بشرند.

ل. دین، علم و فلسفه علم

«دین»، ارمغان انبیا است و «معرفت دینی» تولید عالمان دین است و «علم» در مرادو منوی ما «معرفت دینی» و همه دیگر معارف و علوم بشری است (شامل علوم تجربی و علوم الهی، هر دو) در هر حال، دین با «معرفت دینی» یکی نیست. دین، کامل و بدون تناقض و بدون سوء تفاهم است و «معرفت دینی»، گاه متناقض و همواره تکامل یابنده است. دین با علم و علم با دین، در مقام تعریف، تعارضی ندارد. اما «معرفت دینی» در مقام تحقق، با علوم در مقام تحقق، چالش برانگیز می شود. «معرفت دینی» برای رشد علوم (و رشد خود) مخاطراتی ایجاد می کند و علوم دیگر (علمی که از متون و اسناد دین بیرون نیامده اند) گاه با معارف دینی ناساز می افتد.

فیلسوف علم، مسئول بررسی تناقضات و راهگشایی معرفت شناختی برای توسعه هر دو و رفع و رجوع معرفت شناختی و «تولید نظریه» برای تبیین رفتار علم است.^[27] یک فیلسوف علم، می تواند توضیح دهد که چگونه «معرفت دینی»، بر شاخسار یک تمدن، شکوفه های فرهیختگی و توسعه را رویانده است؛ یا چگونه باورهای ثابت آن جامعه، با کج فهمی و کژکارکرد، مانع رشد علم و مانع آزادی انسان ها شده اند. فیلسوف علم، به تبیین کارکرد درست ثوابت و متحوّلات معرفتی و مکانیسم محورها و چرخ دنده های علم می پردازد و آن را مدام آسیب شناسی می کند. به همین رو، قاطعانه می توان گفت، فلسفه علم، از لوازم ضروری توسعه جوامع است.

م. پیشینه دیدگاه های معرفت شناختی

فلسفه علم، علم جوانی است و اما جستارهای معرفت شناختی، تاریخ بسیار درازی دارد. در عصر جدید (نیمه دوم قرن بیستم) در کشورهای توسعه یافته، این نیاز، خود را عیان کرد که ادامه توسعه، بدون بررسی دقیق و همه جانبه علم و علوم و رفتار علم، مقدور نیست. نظریات معرفت شناختی نافرجام زیادی در حوزه روش شناسی و ساحت شناسی و زبان شناسی علم، رقم خورد. لوازم رشد علم، در قالب «نظریه» مطرح گردید. «تجربه گرایی افراطی»^[28]، «ساختارگرایی»^[29]، «تاریخی نگری»^[30] «نسبیت معرفت»^[31]، «نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت»، «انسجام

گروی»^[32] یا «بنیادگروی»^[33]، «تبیین ریزوماتیک علم»^[34]، «فلسفه پویش»^[35] و «راهکارهای آشتی جویانه و کدخدامنشانه میان علم و دین با معرفت دینی» از جمله اهم نظریات و رویکردها در دنیای فلسفه علم اند.

ن. ضرورت تولید نظریه

برای بنیان کردن تمدن اسلامی، هیچ چاره ای جز تولید نظریه معرفت شناسی نیست. نظریات معرفت شناختی، جامعه شناختی، رسانه شناختی و فرهنگ شناختی، بنیان تمدن اسلامی را شکل می دهند و ارتباط ما را با جهان، تبیین می کنند. بدون داشتن نظریه، اتصال ما با جهان علم، امکان پذیر نیست. اگر چه ما گمان کنیم با دیالوگ می توانیم، ارتباط برقرار کنیم؛ اما بدون تدوین نظریه و ادبیات درست نمی توان با خود، علم، دین و مناسبات جهان جدید، تعامل داشت و داشته های خود را حفظ کرد و داشته های جهان را غربالگری و درونی کرد (البته نظریه ها در پرتو دیالوگ، تکامل پیدا می کنند)

ص. گام ها و کوشش های تولید نظریه

نظریه ها باید با کل سپهر معرفت^[36] در تعامل باشند. «معرفت دینی»، گشایشی عظیم در سپهر معرفت ایجاد می کند. نمی توان نظریات معرفت شناختی درستی را سر و سامان داد، مگر اینکه به معارف درست الهی نیز توجه داشت.

ع. علم اسلامی، علم انسانی اسلامی

علم اسلامی (اصط. رجا / معرفت دینی) هر علمی با هر موضوعی است که از نظر منبع، روش و غایت، با منابع اسلام شناسی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) و روش اسلام شناسی (روش اجتهادی) و غایت اسلامی (اهداف قریب و بعیدی که اسلام برای انسان و جهان هستی تعریف نموده است) در تعامل علم ساختی^[37] باشد. علم انسانی اسلامی، همین علم است، هنگامی که درباره شأنی از شؤون انسان، کاوشی روشمند داشته باشد. وصف «اسلامی» از نظر معرفت شناختی، به «منزوی نبودن» کهکشان مفاهیم علمی آن علم با «کهکشان معرفتی اسلام» اشاره دارد.^[38]

ف. تولید علم انسانی اسلامی

تولید علم انسانی اسلامی به معنای «کشف پدیده‌ها و اضلاع معرفتی تازه، در پناه پژوهش، مباحثه و استدلال و گزاره‌ای شدن نتایج پژوهش‌ها» است به شرط آن‌که جهان‌بینی، منابع، غایات و اهداف دینی در فرایند فراوری آن دانش، به‌گونه بنیادین، نقش ایفاء کند. [39]

نظریه رجا، معطوف به تولید علم انسانی اسلامی است و برای آن بومسازة ایران، آنگاه جهان اسلام و آنگاه جهان، به ترتیب اهمیت دارد. مسئله علم انسانی اسلامی وقتی معنادار می‌شود که از علوم انسانی همین پیکربندی موجود و رایج را مطالبه نکنیم و اجازه دهیم تعاملات علم ساختی و غایت ساختی معرفت دین و دینی آن را از پایه مفردات معرفتی و مفاهیم علومی تا سطح پیکربندی بازسازی کند.

چکیده نظریه معرفت شناسی رجا

«نظریه معرفت شناسی رجا»^[40] یک نظریه توصیفی-هنجاری و فعلاً یک نسخه آزمایشی^[41] است و پیشکش و پیشنهادی برای بررسی علم و رفتار آن از این منظر است. یک نسخه پیشنهادی، می‌تواند بر ایده پردازی‌های غربال شده و مؤیدات و مستندات الهام بخش استوار شود.

«نظریه معرفت شناسی رجا» می‌گوید، علوم جهان، در دوره‌های اخیر و آتی (از گذشته نزدیک: حدود صد و پنجاه سال گذشته تا آینده) سه مرحله، را طی کرده و خواهد کرد.

دوره نخست، دوره قفسه‌ای کتابخانه‌ای است که علوم، در این دوره، به «بلوغ نسبی» رسیده‌اند و خرافه‌ها و گمانه‌های ناسنجیده و وهمی از آن تا حد زیادی سترده شده و علم به روشمندی و انضباط، رو نهاده است. در این دوره، به زعم عالمان، هر علم، در مسیر خود قرار دارد. هنوز علوم میان رشته‌ای بسیاری، در سبد دانش بشری، متولد نشده است و عالمان هر علم، بر مسائل و دغدغه‌های عالمان دیگر، اشراف بسیار ندارند (بویژه علومی که هم خانواده انگاشته نمی‌شوند) اگر چه ممکن است علوم، دغدغه‌های مشابهی داشته باشند، اما مشارکت و مباشرت چشمگیری -برای حل مسائل پیچیده یکدیگر ندارند. در واقع، خود را در برابر مسائل علوم دیگر، مسؤول نمی‌دانند. این دوره، «دوره قفسه‌ای کتابخانه‌ای» نامیده‌ام.

دوره دوم، دوره ذره‌ای-کهکشانی علم است که در آن، اندک اندک علوم، مسائل و فرآورده‌های یکدیگر را خواسته و ناخواسته در اشراف هم قرار می‌دهند. چرا که مفاهیم تخصصی علوم، فریه می‌شوند و علوم، برای تبیین هر موضوع یا ضلعی از آن، مساهمت بسیار می‌کنند. علوم میان رشته‌ای بسیاری زاده می‌شوند و یک مسئله، دغدغه مشارک و مباشر چندین علم می‌شود.^[42]

دوره سوم، دوره مدینه‌ای علم است و دوره‌ای پس از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

الشرف است که پس از استقرار حکومت ایشان، دروازه های علوم، به طور گسترده به روی بشر گشوده می شود و علوم در ابعاد بسیار پهناوری، تجلی می کند. در این دوره، ابواب گسترده علوم بر انسان، گشوده خواهد شد. نظریه رجا، در کار تبیین اجمالی و پیشکشانه انگاره «سه دوره ای بودن علم و همچنین ذره ای کهکشانی بودن علم» است.

پیشینه نظریه

در تبیین نسبت و تعامل علوم، بویژه درباره رابطه علم و دین، نظریات گوناگونی مطرح شده است. مهم ترین این تبیینات، عبارتند از:

۱. نظریه تعارض

۲. نظریه توازی

۳. نظریه گفتگو و همگرایی

۴. نظریه یکپارچگی^[43]

هر یک از دیدگاه های فوق، طرفدارانی دارد که بر اساس رویکردهای خود آن را تقریر نموده اند. گو اینکه نه معرفت دین و نه علم، بی تغییر، بی زمان یا ثابت نیستند. چرا که هر علم و «معرفت دینی» تلاش های فرهنگی و اجتماعی هستند در فرهنگ ها و زبان های گوناگون در طول زمان دچار تغییر شده اند. نظریه کهکشانی بودن علم، معتقد است که اگر چه علوم به جهت روش، منبع، ساحت و هدف، متمایز هستند؛ اما نظر به اینکه همه، آینه ای در برابر جهان عین هستند و همه در یک سپهر زندگی می کنند، به تقریرات یکپارچه و سازگار با هم می انجامند.

زمینه های نظریه رجا

زمینه های فکری نظریه کهشکان سانی علم را می توان این گونه خلاصه نمود:

۱. جهان عین، جهانی یکپارچه و بی تناقض است.

۲. علوم، در کار تبیین و بازنمایی جهان عین هستند. حال با هر موضوع و هدف، به هر شیوه و در هر ساحت.

۳. شکل هنجاری و بایسته علوم این است که همه شاخه ها و رشته های علمی، گویی در حس مشترک جمعی عالمان و محققان^[44] می توانند به سازواری مداوم و هم نمایی کامل دست یابند.

4. عصر دیجیتال، ساختار کهکشانی علم، را عیان تر کرده است و امروزه دیگر علوم در کتاب ها نمی‌گنجند. بلکه علوم را وبگاه‌های برخط و دیالوگ های مستمر بشری خیلی بهتر می‌توانند حمل کنند. این نظریه به رشد علم، به‌طور خلاقانه کمک می‌کند.

«یکپارچگی علوم، هنجار علوم است و این هنجار عبارت است از «تعامل درست، همسود و ژرف علم ساختی» با مشارکت نرّه‌ای (مفاهیم اصطلاحی علوم) و خوشه‌ای علوم، در ساخت مفاهیم علمی ریز و درشت در ذهن جمعی عالمان. این هنجار، خواه ناخواه، رخ می‌دهد. ساختار علوم، نرّه‌ای کهکشانی است و تعاملات مفاهیم، بسیار گسترده است. این همان یکپارچگی علم در این دیدگاه است. علوم، در مقام تحقق و در آغاز، اگر چه یکپارچه نیستند، اما در سیر استکمالی، رو به یکپارچگی دارند. ثوابت ابدی و ازلی معرفتی نیز در این کهکشان بسیارند. زیرا کنش و واکنش مفاهیم، همیشه به شکستن صدق تک تک گزاره‌ها نمی‌انجامد... علوم، در «تعامل علم ساختی» بسیار گسترده، پیوسته، مباشر و مشرف بر یکدیگراند. در این داد و ستد گسترده، «مفاهیم علمی»^[45] (اصط.رجا) بسیار فربه و پیچیده‌ای زاده می‌شود. علوم، بواسطه این مفاهیم علمی، یافته‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و یکدیگر را فهم می‌کنند. علوم، به گنجانه «حسّ مشترک» دانشمندان سرازیر می‌شود. می‌توان گفت در این روزگار، علوم، پیوسته در پی تأمین یک «انسجام فراگیر» هستند و در این دوره علوم، بدرستی در کتاب‌ها نمی‌گنجد و بیشتر در «سپهر معرفت» یافت خواهد شد.» این نظریه، با تأکید بر تحولات طولی و عمقی و البته مربوط به حوزه‌های جهان شناختی دینی می‌گوید: «فلسفه علم، برای ما توضیح می‌دهد که ریاضیات و فیزیک و مکانیک و شیمی و فیزیک ذرات (کوانتم) و نیز زیست‌شناسی ملکولی با هم چه داد و ستدی دارند و چقدر همه بر سر یک خوان نشسته‌اند و برای ما می‌گویند که این علوم یک جهان را با روش‌ها و زاویه دیدها و ابزارهای گوناگون روایت و تبیین می‌کنند.»^[46]

اصول نظریه

«نظریه معرفت شناسی رجاء»^[47] را می‌توان در اصول زیر، خلاصه نمود:

1. ادوار عامه علم

علوم در دوران متأخر، سه دوره مهم دارد:

- دوره اول، دوره قفسه‌ای - کتابخانه‌ای؛
- دوره دوم، دوره نرّه‌ای - کهکشانی علم؛
- دوره سوم، دوره مدینه‌ای و حیات طیبه علم؛

دوره قفسه ای - کتابخانه ای علم

این دوره، کمابیش، طی شده است. در این دوره، طبق سنت دیرین علوم، تفکیک پررنگی میان علوم وجود دارند و موضوعات، روش‌ها و اهداف کاملاً متمایزی برای علوم تعریف شده است. در این دوره، غالباً ساختار علوم، درختی است و عالمان علوم از علوم پیرامونی در حد «شنیده» می‌دانند و به حداقل‌هایی در حوزه «دانش‌های یاری‌رسان» بسنده می‌کنند. «علوم میان رشته ای» چندان زاده نشده است و آزرده‌گی و نارسایی علوم تخصصی، عالمان را برای تولید علوم کل نگر و میان رشته ای مضطرب کرده است. «فن‌آوری‌های ارتباطی» زمینه را برای عالمان برای گفتگوهای پردامنه و رنگارنگ فراهم کرده است. ارتباط میان علوم و داد و ستد آن، در حوزه «بارقه ای علم» موجب اکتشافات اتفاقی می‌شود و... (گذشته نزدیک)

دوره ذره ای - کهکشانی علم

دوره ای است که علوم در «تعامل علم ساختی» بسیار گسترده و پیوسته، مباشر و مشرف بر یکدیگر قرار دارند. در این داد و ستد گسترده، «مفاهیم علمی» بسیار فریه و پیچیده‌ای زاده می‌شوند. علوم، بواسطه این مفاهیم علمی، یافته‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و یکدیگر را فهم می‌کنند. به دیگر عبارت می‌توان گفت؛ گویی علوم، به گنجانه «حسّ مشترک» دانشمندان سرازیر می‌شوند. پیوسته در پی تأمین «انسجام فراگیر» هستند و در این دوره، علوم، بدرستی در کتاب‌ها نمی‌گنجند و بیشتر در «سپهر معرفت» یافت خواهند شد. در این دوره، شاید نسخه‌ها و دانشنامه‌های برخط، بهترین حاملان علم هستند. اینک جهان علم در حال ورود به این مرحله است (تحلیل آینده نزدیک)

دوره مدینه ای علم

در این دوره، علوم از تورّمات و گسستگی‌ها و زوائد پیراسته می‌شوند و به قرار و آرامش و وحدت می‌رسند و عالمان، بیشتر در کار کشف خود و ساختن وجه انسانی خود برمی‌آیند و کمتر در عالم، تصرف می‌کنند. دانایی و دانش ریزوماتیک [48] در برابر حکمت و اخلاق و عشق سر تعظیم فرو می‌آورد و «حیث ملکوتی پدیده‌ها» برای بشریت از اهمیت فراوانی برخوردار می‌شود. رازهای هستی، از سوی جان، به گوش خرد آدمیان نجوا می‌شود و سکوت و وحدت، بیش از سخن ارزشمند می‌گردد. بسیاری از علوم در «سکوت» یافت می‌شوند. میان علم و عالم و معلوم وحدت برقرار می‌شود. پس از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف^[49] علم به این مرحله خواهد رسید (تحلیل و آینده پژوهی علم)

2. ظرف تحقق علم

علوم، در دو ظرف محقق می شوند:

ظرف اول: ذهن و ضمیر عالمان؛

ظرف دوم: رسانه ها، که «ذهن جمعی» عالمان را برمی سازند.

3. شرط تحقق علم

علمی که در ذهن عالمان است، «علم دانش‌سرای» است و از پیش، مشروط به این است که خود را در «نسخه قابل فهم و موجه» آشکار کرده باشد. پس یک شاخه مطالعاتی، وقتی محقق می شود که در دانشسرا، نمود یافته باشد. میانگین شاکله ملکوتی عالمان علوم (جامعه علمی) در ساختار و ماهیت علم؛ کارساز است و چگونگی علم و علوم، بسته به میانگین کفایت و دانش‌سرای دماغی عالمان و مرتبه وجودی آنان در تکامل وجودی اولاً و کفایت و توانش رسانه ها در گفتگویی کردن علوم، ثانیاً، گونه گون می شود. پس اگر قائل به سیر و سیورورت عالمان و جامعه علمی باشیم، مناسبات علوم و گزاره های آن نیز از مرحله ای به مرحله دیگر گونه گون می گردد.

4. یکپارچگی علوم

«نظریه معرفت شناسی رجاء» می گوید: علوم، شکل هنجاری یکپارچه ای دارند و تمایز موضوع و روش و غایت و ساحت، خارق این یکپارچگی نیست. این یکپارچگی به دلیل «یکپارچگی متن هستی» و همچنین «یکپارچگی جانمایه روش های و غایات علوم» است. تولد مفاهیم علمی و صورت ضروری و گاه بهینه، در کهکشان معرفت بشری، عدم تناقض و وجود تلائم است. این اصل، مفاهیم علمی را در «وضعیت کهکشانی» قرار می دهد.

5. اسناد بالادستی

در کهکشان معرفت، ارزش هر تصدیق و تصوّر (مفاهیم علمی) با هم برابر نیست و معارف ثابت بشری و انوار وحیانی معرفت الهی، چشم و چراغ کهکشان معرفتی هستند. کهکشان معرفت بشری، بدون این ثوابت معرفتی، قرار ندارد و بدون تعالیم انبیاء، کوخی غیرقابل سکونت است. تعالیم انبیاء، «هدایت به امر» اهل بیت و نظارت ولیّ بر کهکشان علم، روح حیات‌بخش علم است.

امام معصوم علیه السلام خورشید این کهکشان است.

6. شاکله و رفتار ذره ای علوم

مفاهیم علمی، اگر چه سرانجام و همواره فربه و پرجزئیات هستند، اما همه، بر پایه ذرات معرفتی (بدیهیات اولیه و اصول موضوعه) بر ساخته می شوند و اگر چه بسیار بسیار پر جزئیات شوند. هر -مفهوم علمی خود برای حلقه‌های بالاتر مفاهیم علمی، به مثابه ذره، عمل می کند و آن ها را برمی سازند. این است که شاکله علوم، به طور مطلق یا نسبی، ذره ای است.

7. ارتباط ارگانیکی و آوندی

ارتباط میان مفاهیم علمی نه مکانیکی بلکه ارگانیکی است و در واقع دستکم بخش پر شماری از مفاهیم علمی علوم بوسیله آوندهایی به هم پیوند خورده اند. مفاهیم علمی، از عناصر معرفتی بسیار، بر ساخته می شوند و این عناصر و مفردات و مرکبات معرفتی دائماً از هم، معرفت می گیرند و به هم معرفت می دهند (تعامل علم ساختی) و این تعامل، شامل پرسش افکنی، عتاب و خطاب و ابهام افزایی و نورافکنی و تایید و تکذیب و... نیز می شود.

8. قاعده مند بودن تحولات معرفتی

مطابق نظریه معرفت شناختی رجا و بر پایه بررسی استقرائی، کمابیش، دوازده نوع تحول معرفتی مهم در کهکشان معرفتی بشری رخ می دهد و این تحولات نه موجب نسبیّت معرفت و نه شگاکیت و تزلزل در ثوابت معرفتی است. کاخ علم، هرگز به هرچ و مرج کشیده نمی شود. چرا که قوای باطنی و توان خردورزی عالمان و ساختار مغز و منطق اکتشاف در گفتگوی عالمانی و نیز اعتضاد علوم به معارف و حیانی، خواه ناخواه نگهبان و عسکس کهکشان معرفت اند.

9. شاکله کهکشانی علمی

تأثیر فن آوری و ساختار مغز، نقش کارساز ساختار مغز و فن آوری علوم ارتباطی و گفتگوی گسترده میان عالمان، تعاملات علم ساختی گسترده ای را موجب شده است و علوم را از دوره قفسه کتابخانه ای به سمت دوره ذره ای کهکشانی سوق داده است. در این وضعیت، مفاهیم

علمی فربهی تولید می شوند که علوم و مفاهیم علمی را به هم پیوند می دهند. مفاهیم علمی، به وسیله پویایش (دینامیسم) ذاتی اندیشه و تفکر و ساختار کارخانه علم، نمی توانند به طور ابدی نسبت به هم بی تفاوت بمانند و اگر چه عالمان بخواهند آنها را در اشکوبه های خود، نگه دارند، اما این حبس، ابدی نخواهد بود.

10. احکام معرفت دین و «معرفت دینی»

1. معرفت دین عبارت است از آنچه از «مستندات اولیّه دین» به طور روشمند در «دانشسرای اسلامی فراهم» می شود.
2. «معرفت دین» دارای لایه های گوناگونی است:

– لایه اول: فهم «مفردات مستندات»،

– لایه دوم: فهم مستندات در «دستگاه اجتهاد اولیّه»،

– لایه سوم: فهم مستندات بر زمینه «عمل و افتاء» که برون داد «معرفت دین» است و بر پایه همان دستگاه اجتهاد، اما بر زمینه مصالح زمان و مکان محقق می شود. بخشی از «راهبردهای عملیاتی دین گزاری» از همین مرحله فراهم می شوند.

3. «معرفت دینی» همان «علم انسانی اسلامی» است و بسیار گسترده تر از «معرفت دین» است.

4. «معرفت دین» نه فقط پیکربندی علوم انسانی را شکل و جهت می دهد، بلکه در بنیان مفاهیم علمی و ذرات معرفتی تأثیر عمیق می گذارد. این معرفت، نقش راهبر، چهارچوب دهنده و سند بالادستی را ایفاء می کند و این اساساً «نحو تعامل علم ساختی» آن است. به عبارت دیگر، علوم انسانی اسلامی تحت اشراف معرفتی «معرفت دین» ساخته و پرداخته می شوند و با هم رشد و تعالی می یابند.

تفاوت علوم انسانی و «معرفت دین» این است که «معرفت دین» باید به طور مستقیم با «روش اجتهاد متداول و قابل قبول دانشسرای اسلامی»، اجتهاد شود (همین شیوه اجتهادی سنتی که البته می تواند کامل شود) اما علوم انسانی اسلامی، ابواب بسیار گسترده ای دارد و از روش ها و منابع و ساحات گسترده ای برخوردار است و ممکن است بنا به موضوع یا غایت، پیکربندی شود. معرفت دین، فهم های اولیّه و بکر از منابع معرفت دین است و «معرفت دینی» عبارت از علوم اسلامی است. اسلامی بودن یک علم انسانی، با در تعامل بودن آن علم به لحاظ روش، منبع، غایت، با منابع دین تامین می شود و هرگز به نفی شیوه های تجربی و آزمایشگاهی و تجربی و... منجر نمی شود. البته تعادل و تراجیح مستحکمی میان فرآورده های معرفتی شکل می گیرد و محکّمات دین، نقش هادی و چهارچوب و راهبر را بازی می کنند.

مثلاً «اصول اخلاق اسلامی» ثابت است و از مستندات فطری، دینی و عقلی بدست می آید. ولی «علم اسلامی اخلاق» که با اسناد بالادستی «معرفت دین» شالوده‌سازی شده است، ابوابی بسیار گسترده‌تر دارد و نسبت به هر «رویداد معرفتی» که اندک ربطی به موضوع یا غایت و روش یا مفاهیم علمی آن دارد، حسّاس، مسؤول و متعامل خواهد بود. حال این رویداد معرفتی، در هر نقطه از کهکشان علوم بشری که باشد. مثلاً با رویداده

ای معرفتی در علوم تغذیه، نشانه

-شناسی، رفتارشناسی، عصب‌پژوهی خلق و خو، تحوّل در مصادیق رفتار بهینه و عادلانه در حرفه ها (اخلاق حرفه

ای) و مانند آن؛ علم اخلاق، با حفظ ثوابت ارزشی، متکامل و بارور می‌شود.

بنابراین علم اخلاق اسلامی، علمی بسیار پویا و گسترده است و در تمدن اسلامی از همه شئون اخلاق و راهکارهای اخلاقی زیستن انسان و جامعه در جمیع شرایط بحث می‌کند. مفاهیم علمی علم اخلاق با مفاهیم علمی بسیاری در تعامل علم ساختی هستند. «منطق اکتشاف» این علم، عبارت است از بالادستی بودن مستندات «معرفت دین» و همه روش‌های مورد امضای همین «معرفت دین» و براهین تعقلی و تجارب مفیده؛ مانند تجارب و مطالعاتی که عقلای عالم به آن وقع می‌نهد و البته در تعادل و تراجمی که «معرفت دین» با توجه به بالادستی بودن آن پیشنهاد می‌کند (این تعادل و تراجم نیز، قسمی از تعاملات علم ساختی است)

بنابراین اگر سوال شود که «آیا مطالعات آزمایشگاهی رفتار و اخلاق انسان در حوزه ژنتیک، مردم‌شناسی، عصب‌شناسی و مطالعات میدانی یا آزمایشگاهی بر علم اخلاق، کارساز است یا نه؟» پاسخ مثبت است. چنانکه خواهیم گفت علوم انسانی اسلامی باید در حوزه‌های علمیّه و با بالادستی قرار دادن مستندات دین و البته با مطالعات گسترده و روش

های مرکب و پویا تولید شود. علوم انسانی اسلامی، با توجه به روش‌شناسی یادشده، از حداکثر ظرفیت کهکشان علم برای گستردن و توانمندتر کردن خود، بهره می‌جوید.

منصوصات معرفت دین نیز، طی تعاملات علم ساختی، در معرض شک خوب^[50] و بررسی شدن پیچ و مهره‌های اولیّه قرار دارند و در فراکتال‌ها و مراحل بعدی بهینه خواهند شد و اما به مقتضای ماهیت یقینی بودن، معروض تحوّل به نقیض نمی‌شوند.

11. راهبردهای عملیاتی و فوائد انضمامی نظریّه

1. شوربختانه، بومسازة معرفت دینی ما، اگر چه در «تولید معرفت دین» در بخش‌هایی، توفیقات بسیار داشته است (مانند فقه فردی) و اما بیشتر در دوره قفسه‌ای- کتابخانه

2. ای بسر می برند و اگر سرعت و اما روشمند و هوشیارانه وارد «دورهٔ ذرهٔ ای کهکشانی» علم نشوند، سونامی مفاهیم علمی بر سر جامعه دینی همچون بهمن سرازیر خواهد شد. تأخیر در ورود به این پهنه، غربالگری و تعامل علم ساختی را هر چه دشوارتر می کند. مفاهیم علمی کهکشان معرفت اسلامی و پیکربندی خوشه ای و شاخه ای متفاوتی از علوم موجود دارد و اگر با دنیای علوم بشری تعامل کند، کُن فیکون مبارک و عظیمی در علوم بشری بوجود می آید.
3. عالمان دین، باید در جهان معاصر با حضور فعال در کهکشان و سپهر معرفت، مفاهیم دینی و بویژه محکّمات «معرفت دینی» را در تعاملات علم ساختی در سپهر معرفت به تعامل وادارند و نگذارند در بومسازة کشورهای اسلامی و نهادهای جامعه اسلامی، مفاهیم علمی، بدون تعامل با معارف اسلامی، فربه شوند و در کهکشان معرفت بشری، گرانش ها و واگرانش های بیهوده و معرفت سوز تولید کنند. شرکت عالمان دین در این تعاملات با شکوه، برای خود آنان نیز مفید است.
4. باید سرعت در حوزه های علمیّه سخت افزارها و سازه ها و بسترهای گفتگوی علمی و تمدنی شکل گیرد. عالمان دین، فقط با حضور پیوسته و هدفمند در «سپهر معرفت» می توانند، علم تولید کنند و «انزواء گفتمانی» به «انزواء معرفتی» (اصط.رجا) می انجامد و این بسیار خطرناک است.

12. دستاوردهای نظریّه

1. تبیین علوم انسانی اسلامی و ارائه راهکار برای بسترسازی تولید آن و «سازوکارشناسی رفتار علوم» با هم و توضیح ایستایی و پویایی و پایداری معرفت ها و سازه های معرفتی و تحولات علوم و معارف بشری، از جمله کمترین دست آوردهای آن است. تولید علم انسانی اسلامی فقط و فقط در پرتو شناخت سازوکار تعاملات علم ساختی علوم در پهنه «سپهر معرفت» امکان پذیر است.
2. بازشناسی گونه های ارتباط عینی و منطقی علوم با هم، می تواند به مدیریت باروری معارف بشری کمک کند (اساساً «سازوکارشناسی» فواید بسیار دارد)
3. آسیب شناسی، آینده پژوهی و جستجوی علل و عوامل مؤثر در هندسه و سرنوشت علوم، در برابر عالمان افق روشنی را در برابر بیمها و نویدها می گشاید. عالمان دین که حتماً اندیشناک «معرفت دینی» هستند و راه پیامبران را ادامه می دهند، باید به جدّ در کار بررسی و جستجوی این سنخ مطالعات باشند.
4. کمّ و کیف ارتباط عالمان جهان، با هم و میزان اشراف مسائل علوم بر هم، تأثیرات افزارهای نوین ارتباطی که در ترابط علمی بکارگرفته می شود، ظرفیت ها و تهدیدهای دمامد، روزآمد شدن و دگرگونی سریع «راهبردهای عملیاتی» در علم آوری، زمینه دیگری است که وضعیّت پویایی و ایستایی علوم را رقم می زند. فن آوری های ارتباطی و بسط گوش و چشم دانشمندان و انقباض فاصله ها، موجب اشراف بی سابقه علم به

ساحت های مطالعاتی یکدیگر شده است. این، بر رقابت و قرابت مباحثات ناآشنا مؤثر می افتد و علم را به مثابه یک پدیده اجتماعی، دستخوش تحولات شیرین و گسترده ای می کند (اگر از فرصت ها درست استفاده شود)

5. عصر امروز، عصر «فراصنعت» است. این عصر جدید، پیشنهاد شاکله جدیدی را برای گستره علوم در میان می گذارد. اگر علوم اسلامی، تعامل علم ساختی درستی با علوم جهان برقرار کنند؛ زمین و زمان جهان علوم را با اصول ارزشی اسلام پیکربندی می کنند و گر نه چنانکه خواهیم گفت باید شاهد یک سونامی هولناک علمی باشیم.

6. ثوابت معرفتی در کهکشان معرفتی بسیار است. کثرت و تنوع تحولات معرفتی، آن قدر نیست که به ثبات معارف ثابت بشری آسیبی برساند. اگر ثوابت نباشد، کهکشانی پابرجا نمی شود.

7. «نظریه معرفت شناسی رجاء» پیشنهادهایی هم برای «علم کلام» دارد. چرا که در کار تبیین چند و چون این فرصت و تهدید و ارائه راهکارهای پیشنهادی برای بهره گیری از این فرصت بی نظیر و فروکاستن این تهدید بی سابقه است. در دنیای امروز، اگر علم کلام را متکفل دفاعیات معارف دین و بازتقریر آن بدانیم، این علم نیز باید به گون های، وجه پدافندی تعاملات علم ساختی را به عهده بگیرد. چرا که دفاع و حراست از سرنوشت «علوم اسلامی» بدون کاوش های فیلسوف علم، فقیر و بی پریش می ماند؛ گوا اینکه پاسخ ها نیز موکول به این سنخ مطالعات است. این نگاشته حامل هشدار و بشارت بزرگی برای آینده نزدیک علوم بشری و نیز «معرفت دینی» است.

بخش دوم اهداف و برنامه های پژوهشی و ترویجی رجایی

مقدمه

بزرگترین هدف اینجانب انجام هر کار پژوهشی است، در راستای تکمیل آنچه برای تمدن سازی لازم است. تکمیل تقریر نظریه معرفت شناختی، تبیین نا علم ها و علم ها، تبیین ساختارهای نهادی مناسب (آموزشی و اجتماعی و...) برای رشد علم دینی، تبیین مکتب جامعه شناسی اسلامی و حرکت به سوی جامعه مهدوی از جمله مهمترین آرزوها و اهداف پژوهشی اینجانب است. این کار در قالب نگارش کتاب و مقاله صورت خواهد پذیرفت. اما برای این کار علاوه بر نگارش نسخه برکاغذ اندیشنامه^[51] و فرهنگنامه رجاء، نخسه برخطی نیز ساخته ام (پایگاه علمی طلوع مهر) گسترش این پایگاه نیز از اهداف مهم اینجانب است...

«پایگاه علمی طلوع مهر»^[52] تارنما، دانشنامه و اندیشنامه‌ای است برای گسترش دیدگاه‌های نوآورانه «حمید رجایی» در زمینه علوم انسانی اسلامی که در ۲۱ فروردین ۱۳۹۴ تأسیس شده است. یکی از خواسته‌های کلان طلوع مهر، فرآوری دانش انسانی اسلامی است. ولی این هدف گران قدر بدون ارائه یک «نظریه»ی کارآمد در تبیین «مناسبات معرفتی علم دین و علوم دیگر» شدنی نیست. به عبارت دیگر، باید فارغ از هر پیش‌داوری به بررسی عمیق «رفتار علم» در «کاهشان معرفت» پرداخت. به همین رو، سنگ بنای «پایگاه علمی طلوع مهر»، فرآوری دانش انسانی اسلامی و همچنین ارائه «نظریه معرفت شناختی» برای تبیین رفتار علم است؛ که اگر چه در «نسخه آزمایشی»^[53] ارائه می‌شود ولی در کار تبیین تعامل علم ساختی و تولید «معرفت دینی» پویا و نوشونده است (نظریه معرفت شناختی رجا)^[1]

این پایگاه، دربردارنده بخش‌های گوناگونی است: بخش اندیشنامه رجا^[54]، بخش فرهنگنامه رجا (دربردارنده اصطلاحات نوآمد و هماهنگ با دیدگاه‌های نوآورده نگارنده) بخش ایده نامه رجا و...

این پایگاه، در کار بسترسازی برای فرآوری «دانش انسانی سازگار با آموزه‌های اسلامی» است. به همین رو، شما در این پایگاه، با کوشش‌ها و کاوش‌های گوناگونی روبرو می‌شوید. «فرآوری علم اسلامی» همان «پیکربندی تازه مسائل دانش‌ها، در هماهنگی با آموزه‌های گرانقدر اسلام» است. بخشی از این خواسته سترگ، در «طلوع مهر»، دنبال شده است. هر آنچه در این پایگاه، آمده، نسخه آزمایشی دیدگاه‌های نگارنده است؛ مگر اینکه گفته شده باشد که نگاشته از آن دیگری است. در طلوع مهر، کوشش بر این است که هر آنچه آفریده شده، با باریک‌بینی در فرهنگنامه، بازنموده شود.

1. شعار طلوع مهر

شعار طلوع مهر این است: «علم انسانی اسلامی معنای محصل و مصادیق قابل تحقق و بسیار فاخری دارد»، «بدون داشتن نظریه معرفت شناختی نمی‌توان علوم انسانی اسلامی را تبیین و تولید کرد»، «اگر چه سپهر معرفت، چون آسمانی بیکران است، ولی فقط قرآن و عترت، خورشید درخشان آن است نبی اکرم صلوات الله علیه و آله، مدینه علم و علی باب آن و فاطمه زهرا سلام الله علیها، نور و جان جان همه سپهر معرفت است. تمام علوم بدست آمده بشری، قطره‌ای از اقیانوس علوم اهل بیت علیهم السلام است.»

پروژه طلوع مهر و بیانیه «گام دوم انقلاب»

رهبر معظم انقلاب اسلامی در چهارمین دهه و چهلین سال پیروزی انقلاب با شکوه اسلامی، بیانیه ای را به رشته تحریر درآوردند که سرشار از روشنگری، امیدبخشی و فرزادگی و نشان دادن راه پیش رو ایران اسلامی بود. معظم له در این بیانیه «به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ارائه فرموده‌اند» بیانیه گام دوم انقلاب، نهیب بزرگی به نخبگان است که برای تولید اندیشه تمدن ساز قیام کنند. اهداف پژوهشی ما، دقیقاً منطبق با آماج همین بیانیه است.

2. بخش های طلوع مهر

الف) بخش اندیشنامه

این بخش، شامل مباحثی دسته بندی شده در زمینه های علوم انسانی و اسلامی است که از بیان مکتب معرفت شناختی رجایی، شروع و تا دیگر مباحث علوم انسانی ادامه می یابد. در واقع نگارش اندیشنامه که شاید از ابتکارات نگارنده باشد و لبّ سخن آن این است که هر متفکری باید در نهایت، اندیشه های خود را در قالب یک اندیشنامه، ارائه کند تا تمام مکتب فکری اش را در آنجا بنماید و برای دیگران قابل بررسی باشد. بنابراین «همواره اندیشنامه ها، به نام همان فرد منتشر می شود. لازم به ذکر است که پیکرینده مطالب در اندیشه نامه رجاء، نسخه آزمایشی و پیشنهادی است (نسخه یک اصطلاح معرفت شناختی و رسانه شناختی است) نسخه های آزمایشی و پیشنهادی، نهایی نیستند و گاه در حدّ فرضیه های اولیه و بارش فکری هستند. اندیشنامه رجاء، شامل دیدگاه های نگارنده، در حوزه های زیر در حال نگاشته شدن است:

- نظریه معرفت شناسی و فلسفه علم (نظریه زره ای کهکشانی علم: the galaxy like and partial theory, epistemological theory)
- فلسفه دین
- نظریه جامعه شناختی
- نظریه فرهنگ شناختی
- نظریه رسانه شناختی (نسخه شناسی)
- نظریات آینده پژوهانه
- بررسی زمینه های مناسب برای تعامل علوم گوناگون با هم، برای ساخت تمدن ایرانی اسلامی
- اصلاحیه هایی برای حوزه و دانشگاه، رسانه
- و...

ب) بخش فرهنگنامه رجاء

از آنجا که بسیاری از «مفاهیم علمی» (اصطلاحات) مطرح شده در اندیشنامه رجایی به نوعی ابداعی هستند (گاه از بنیان و گاه به دلیل باز تعریف یا برگزیدن یک دیدگاه موجود از میان آراء) به همین رو نگارنده، ناگزیر شده است تا فرهنگنامه ای را تدوین کند که آن را «فرهنگنامه رجاء» نامیده است. در واقع فرهنگنامه رجاء، مجموعه اصطلاحاتی است که در اندیشنامه رجاء بکار رفته و آن را در فرهنگنامه گردآورده و معنا کرده است (این کار نیز در حدّ خود به گمانم، ابداعی است)

در اندیشنامه رجاء، در پایگاه اینترنتی طلوع مهر، نباید از زیاد بودن اصطلاحات، نگران بود. تلاش شده تا هر اصطلاح، به فرهنگنامه، لینک شود و براحتی می توان آن اصطلاح را در فرهنگنامه رجاء، پیدا کرد و خواند. لازم به ذکر است که هر واژه علمی (مفاهیم علمی) در پایگاه طلوع مهر، تمایل دارد که یک «اصطلاح» شود؛ زیرا در این صورت است که دقت و کالیبراسیون مباحث و تعریف ها، بالا می رود.

ج) بخش ایده نامه

از دستگاه فکری نگارنده (اندیشنامه رجاء) ایده های مختلفی در زمینه های گوناگون، پدیدار می شود. این ایده ها در بخش ایده نامه می آید. ایده ها، می توانند در زمینه های گوناگون طرح شود و بنابه مقوله های آن دسته بندی شود. وجه «اندیشکده بودن» پایگاه، در همین جا بروز می کند. زیرا در این بخش، به ارائه راهبرد و توصیه سازی پرداخته می شود.

د) بخش مقالات

بخش مقالات، شامل مقالاتی است که رجایی نوشته است و بعضاً در منشورات دیگر چاپ شده است. مطالب این بخش، با مباحث اندیشنامه، از این جهت تفاوت دارد که با موضوعات گوناگون و مخاطبان و اهداف ابلاغی مختلف نگاشته شده و طبیعتاً شيرازه جامع اندیشنامه را ندارند.

ه) توصیه نامه

این بخش، شامل توصیه هایی است که احياناً نگارنده به نهادها یا افرادی نگاشته است و در آن طرح یا تمنايي را مطرح نموده است. این توصیه ها گاه به مخاطب ارسال شده اند و گاه به واسطه همین پایگاه (طلوع مهر) منتشر شده است. این نامه ها از این جهت در طلوع مهر آورده می شوند که وجود آن می تواند برای کسانی که مورد خطاب آن هم نیستند، مفید باشد. حتی از این جهت که آن را نقد کنند و درباره آن، بگویند.

و) شبکه صدای و سیمای طلوع مهر

این بخش، بخشی تفننی نیست و برای این در طلوع مهر، خوش غنوده است که برخی از مطالب متنی طلوع مهر، بیانی افزون را می طلبد که گاه بوسیله پیوند به تارنماهای دیگر رفع حاجت می شود و گاه به یک تصویر متحرک یا صوت و... حاجت می افتد و می توانید با دیدن ویدئو یا شنیدن صوت، مطلب مندرج در متون را بهتر بازگشایی فرمایید. این بخش به رسانه ای سازی مطالب کمک شایانی می کند. در این بخش، انتشار کتاب و مقالات صوتی از بخش های مختلف پایگاه، امکان پذیر می شود.

ز) سایر بخش ها

مانند خاطرات، عکس ها، پیوندها و ... که به مرور در طلوع مهر توسعه و سامان خواهد یافت.

ح) طلوع مهر در دیگر شبکه ها

طلوع مهر دو پایگاه تلگرامی دارد: پایگاه علمی حمید رجایی (tolooemehr@) و فرهنگنامه رجاء - (farhangerajaei@) و صفحه ای در فیسبوک، لینکدین، اینستگرام و مقالاتی در پایگاه ریسرچ - گیت ([researchgate](http://researchgate.net)) گوگل پلاس و پین ترست، گوگل اسکولار (Google Scholar) و بخش های زیادی از محتواها در پایگاه های دیگر (مقالات فارس نیوز، سایت حوزه، ویکیپدیا، و...)

3. میزان پیشرفت و وضعیت کنونی و افق آینده طلوع مهر

الف. میزان پیشرفت

«پایگاه علمی طلوع مهر»، یک سایت نیست. یک هدف کاملاً شفاف و برنامه ریزی شده و یک گستره پژوهش و اندیشه عظیم است (در افق آن یک «پژوهشگاه و اندیشکده» خطیر و بزرگ دیده می شود) بیان نظریه و فرهنگ و توصیه و راهکار و راهبردهای نگارنده از اهداف مهم این مجموعه است. مجالی بسیار گسترده برای تولید فکر است. بفضل خدا تاکنون رجایی توانسته گام های بزرگی را برای نشر افکار خود بردارد:

1. آماده سازی نظریات گوناگون در «حوزه علوم انسانی» و تمدن سازی و آینده پژوهی، توصیه سازی و اصلاحیه پردازی (ذکر آن گذشت) این نظریات محصول 32 سال تحصیل و پژوهش و اندیشناکی خلاقانه حمید رجایی است.^[55] این نظریات اگر چه متواضعانه در نسخه آزمایشی ارائه می شوند، ولی از اتقان زیادی برخوردارند. نگارنده،

این راهبرد را در پیش گرفته است که بشر نباید دوباره کاری کند. کشفیات فکری بشر نباید در سپهر معرفت، تکرار شود. یک متفکر یا باید دانش تازه ای را به سپهر معرفت بشری تقدیم کند (در قالب اندیشنامه) و در این مسیر، بر شانه بزرگان علم، ارمغان نویی را بیاورد یا باید زبان در کام کشد و باز بشوند و بشود.

2. رسانه ای سازی:

1/2. توسط یک سایت علمی. «پایگاه علمی طلوع مهر»، جولان گاه طرح اندیشه های نگارنده است آن سان در مورد بخش های آن توضیح داده شد. این پایگاه اگر چه از نظر متن و گرافیک جذابیت های لازم را ندارد و تاکنون کاملاً تخصصی بوده است، ولی مراجعه کنندگان بسیاری دارد. 260000 بازدیدکننده (که عمدتاً از کشورهای توسعه یافته اروپایی و امریکا و کانادا و برخی کشورهای بلوک شرق هستند. 260 ورودی از مقاله و اصطلاحات فرهنگنامه و سایر بخش ها.

2/2. انتشارات کتاب (آفرینندگی، تفکر جانبی و باور دینی: درآمدی به تولید علوم انسانی اسلامی) نگارنده حمید رجایی. اصفهان: انتشارات شهر من، ۱۳۹۵) نگاه تصویر شماره دو

3/2. نشر مقالات گوناگون در پایگاه های مختلف

4/2. انتشار «کتاب فلسفه علم برای تولید علم و ارتقاء بخشی حوزه و دانشگاه» (1397)

ب. وضعیت کنونی

1. نداشتن منابع مالی و دستیاران حرفه ای و عادی لازم، برای ادامه و بهینه کردن اندک کار.
2. اشتغال نگارنده در سازمان صدا و سیما و گرفته شدن وقت ذی قیمت در جهت پژوهش هایی هر چند مهم اما نه در شان رجایی و هدف او.
3. کُند بودن پیشرفت کار و پیشرفت آن به قیمت فرسایش شدید نگارنده: به همین رو، کار کُند، دشوار، خسته کننده و کم کیفیت شده به پیش می رود (متون با فصاحت و ویرایش ضعیف، دشواری بررسی منابع و کم بضاعتی در مثال ها و ...)

ج. افق و چشم انداز پایگاه طلوع مهر

1. تولید و تدوین نظریات کارآمد و پویا در حوزه علوم انسانی اسلامی و ایجاد پویایی در حوزه علم، فرهنگ تمدن به طوری که نه اسلامیّت از میان برود و نه پویایی. توضیح اینکه کار «پایگاه علمی طلوع مهر»، با تدوین چند کتاب و مقاله پایان نمی پذیرد. چرا که اصولاً نظریه تاسیس این پایگاه، معتقد به پویایی ذات علم و ضرورت درهم تاباندن علوم است لذا کار باید به طور مستمر ادامه پیدا کند.
2. جلب تعامل و همکاری فکری نخبگان تراز اول کشور و جهان، در حوزه دین شناسی و اهداف پایگاه علمی توضیح اینکه این تعامل از طریق نامه، جلسات حضوری، همایش،

ترجمه و اطلاع رسانی، تبلیغ و... صورت خواهد پذیرفت.

3. نگارش فرهنگنامه رجاء، با کیفیت عالی، جامع و پویا در این حوزه ها، توضیح اینکه این کار باید با دقت بسیار زیاد و بازبینی های مکرر و کارگرفت اصطلاحات رجاء در متون بطور دقیق دنبال شود. این فرهنگنامه علاوه بر بارگذاری در سایت و کانال های غیرکاغذی، در ورژن های یک دهه ای چاپ خواهد شد.

1. رسانه ای سازی مؤثر مطالب^[56]
2. گسترش به پایگاه به «پژوهشگاه و اندیشکده طلوع مهر» به مثابه یک پژوهشگاه رسمی با بکارگیری نخبگان تراز اول، جهت بسط و گسترش جهانی و مبسوط فعالیت ها بدون لطمه به جانمایه کار.

4. راهکار و ملزومات توسعه برنامه ها

1. -تامین منابع مالی لازم (مطابق برنامه و بودجه سه ساله برای هزینه های جاری و برنامه ای)
2. تامین منابع انسانی اتاق فکر، کارگزار، دستیار و همکار در بهینه سازی محتوا و قالب ارائه (مسئول دفتر، خدمات: پیشکار- تایپست، گروه ویرایشگر حرفه ای، دستیاران نیمه حرفه ای، مشاوران نخبه، متصدی سایت، مترجمان، بازیکن ها و...) لازم به ذکر است این کار فعلاً به وسیله یکی چند نیروی ثابت و بقیه نیروهای واسپاری شده و قراردادی از طریق دورکاری مقدور است.
3. تامین امکانات سخت افزاری (دفتر کار، رایانه، نت، پرینتر، احیاناً دفتر کار در قم، و سایر ملزومات)
4. خدشه دار نشدن استقلال نگارنده و عدم نفوذ عوامل ناعلم در روال پیشرفت محتوا، هدف و...

پاورقی

[1]. حمید رجایی (زاده ۱۵ شهریور ۱۳۴۶ در زرین شهر اصفهان) دانش آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه قم، مؤسسۀ آموزشی پژوهشی امام خمینی «ره» (قم؛ کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی) و نیز دانشکده صدا و سیما قم (کارشناس ارشد ارتباطات) است. علاقمندی او، مباحث تولید علم، فلسفه علم، خلاقیت، معارف اسلامی و ارتباطات است. وی معتقد است که هر اندیشمندی حداقل در علوم انسانی و اسلامی (و حتی علوم یا بخش نظری یک رشته‌ی علمی حسی و تجربی مانند برخی مباحث فیزیک نرّه ای) لازم است افکار خود را به صورت منسجم در قالب یک اندیشنامه، مرتب و منتشر نماید، اگر چه لازم باشد مفاهیم تازه ای را بیافریند. این اندیشنامه، دسته بندی آراء

و مباحثه عالمان را آسان می‌کند. رجایی نظریه ذره ای-کهکشان سانی علم (به انگلیسی (The Galaxy-like & Partial match, Epistemological theory) را مطرح نموده است. این نظریه به این اشاره دارد که کل دست‌آوردهای علمی بشر را یکپارچه و در تعامل با هم در نظر می‌گیرد. این نظریه را حمید رجایی (۱۹۸۰) در حوزه فلسفه علم مطرح نموده است.

[2]. چه مباحث مربوط به نهاد علم یا بر هر زمینه مطالعاتی دیگر؛ مثلاً زمینه ابزارهای شناخت (حس، عقل و شهود) زمینه ارزش و مبنای ارزشی شناخت، زمینه روش شناخت، زمینه ساحت های شناخت، زمینه موضوعات شناخت، زمینه منطق اکتشاف علم، زمینه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقلیمی، مردم شناختی و... زمینه روان‌شناختی شناخت، زمینه بررسی‌های زیست‌شناختی و گاه مشخصاً مغز و اعصاب، زمینه ادراک‌شناختی تطبیقی (بررسی مقایسه‌ای ادراکات بوسیله هر موجودی که ادراک دارد) زمینه زبان‌شناختی (و در نظریه ما: نسخه شناختی) بر زمینه عالم شناختی شناخت و...

[3]. کتاب «فلسفه علم برای تولید علوم انسانی اسلامی و ارائه راهکارهای ارتقاء نظام معرفتی حوزه» به قلم حمید رجایی در 520 صفحه، در قطع وزیری و با شمارگان 500 مجلد، توسط انتشارات میراث ماندگار، طبع شده است این اثر، به توفیق الهی و یاری نیکان، توسط اینجانب، طی دو سال و اندی پژوهش و نگارش، فراهم شده است و در کار «تبیین نظریه ذره ای کهکشانی بودن علم» در مورد رفتار علم و وضعیت و ادوار آن در گذشته نزدیک، حال و آینده است. این کتاب، در نهایت، برای تبیین علوم انسانی اسلامی و تولید آن، کوششی انجام داده است و در پی، راهکارهایی برای روزآمد شدن نظام‌های معرفتی، آموزشی و معیشتی حوزه‌های علمی، ارائه کرده است.

[4]. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، نام مجموعه‌ای آموزشی برای تحصیل دانشجویان و طلبه‌های شیعه است که در سال ۱۳۷۴ پایه‌گذاری شد. این مؤسسه آموزشی و پژوهشی زیر نظر آیت الله محمدتقی مصباح یزدی حفظه الله کار می‌کند.

[5]. دانشکده صدا و سیما - قم در پی تصویب شورای سیاست‌گذاری سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به منظور جذب دانش‌آموختگان حوزه و آموزش آنان در سطح تخصصی مورد نیاز سازمان صدا و سیما در حیطه پژوهش‌های ارتباطی و نیز تولید برنامه‌های منطبق با موازین اسلام، در مهر ماه سال 1376 به طور رسمی با حضور ریاست وقت سازمان در شهر مقدس قم افتتاح گردید.

[6]. رشته علوم ارتباطات اجتماعی به منظور سر و سامان دادن به ابعاد مختلف ارتباطات جوامع و مظاهر وجودی آن به خدمت بشر درآمده تا وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی گسترده و پیچیده مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات و بسیاری دیگر از مظاهر علم و فناوری را در خدمت اطلاع‌رسانی و ارتباط بین انسان‌ها قرار دهد.

[7]. دویست قسمت برنامه موشن گرافیک دو دقیقه ای به نام «ایستگاه» پخش با دو مرتبه تکرار

در شبکه سراسری یک سیما (تهیه کننده محقق و نویسنده) ساخت برنامه «Did you know?» با موضوع تطبیق مهدویت و ظهور مسیح به زبان انگلیسی ارائه شده در ۴۷ کشور جهان توسط موسسه آینده روشن و سازمان فرهنگ ارتباطات (تهیه کننده محقق و نویسنده) تهیه ۱۲ نماهنگ دینی در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، بارها از شبکه های سیما پخش شده است. تهیه ۱۲ برنامه سخنرانی با کیفیت به نام «برای عاشورایی ماندن» پخش دو بار تکرار در شبکه دو سیما (تهیه کننده و طراح تهیه و کارگردان) تحقیق و نگارش برنامه ترکیبی «مهر آفتاب» ویژه ارتقا اساتید معارف اسلامی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه. تهیه CD صوتی «آرمش» برای افراد افسرده با روش دین مدار، مستند تکنیک های استفاده از تابلو سیاه در کلاس درس.

[8]. کتاب «آفرینندگی، تفکر جانبی و باور دینی: (درآمدی به تولید علوم انسانی اسلامی)» از جمله آثار حمید رجایی است که در آن، علل ضعف خلاقیت و کاستی زیرساخت های معرفت شناختی توسعه نیافتگی جهان اسلام و جامعه ایران، بررسی شده است. مؤلف، در این کتاب، درباره چستی تفکر جانبی و کاربست آن در اندیشه و معرفت دینی، مباحث جدیدی مطرح شده است و به نحوی موشکافانه به مخاطراتی که خلاقیت و باور دینی برای هم تولید می کند، پرداخته است.

[9]. scholastic education.

[10]. تحول انگاره یا paradigm shift تحوّل عمیق «نظریّه» در تبیین یک موضوع است.

[11]. Turner, Howard. R. During the Golden Age of Islam (seventh through seventeenth centuries A. D) Muslim philosophers and poets, artists and scientists, princes and laborers created a unique culture that has influenced societies on every continent.

[12]. برابر نهاد اکوسیستم.

[13]. اگر معانی و مفادات مبهم، جز پارادایم های یک جامعه شوند، فاجعه به بار می آید.

[14]. دیدگاه ارتكازی در اصطلاح ما، به معنای دیدگاهی است که بدون تاملات عمیق عقلی و تجربی شکل گرفته و در ذهن افراد و جامعه اصل مسلم گرفته شده است.

[15]. نگا. صحیفه نور، جلد ۲۱ - صفحه ۲۹۲.

[16]. روزآمدسازی حوزه های علوم اسلامی مجموعه فعالیت های فکری و عملیاتی هدفمند و کارسازی است که بتوان به بوسیله آن رسالات حوزه را نخست بطور نظری و تفصیلی، متناسب با شرایط منطقه ای و جهانی، تعریف کرد و سپس عملیات آن را در نظام های گوناگون حوزه، اجرائی نمود. « پس «روزآمدسازی»، در بردارنده دو بخش نظری و عملی است و در هر حال لازم است در اصحاب حوزوی، یک «وفاق و همگرایی نسبی» در تعریف ماهیت و حدود آن وجود داشته باشد، تا مفاهیم و گفتگو پیرامون آن ممکن و سودمند شود. نگا. <hamid-rajaei.com>

[17]. تعامل علم ساختی (اصطلاحی از رجایی) هر گونه تاثیر و تاثر میان دو یا چند مفهوم که به مفهوم یا مفاهیم تازه بیانجامد، تعامل علم ساختی است. نگا. <hamid-rajaei.com>

[18]. interactional

[19]. جهان ذهن و ضمیر شامل علوم اخلاقیات و فضایل و رذایل اخلاقی هم می شود. به همین رو، شناخت این دو جهان، مهم است: جهان علم (جهان انسان) و جهان فرهنگ (جهان جامعه)

[20]. سپهر معرفت، عبارت است از فضایی بین الازدهانی و بیشتر نرم افزاری که «همه دانسته های بشر» کم یا زیاد، در آن حضور و «تعامل علم ساختی» دارد.

[21]. نسخه/ رسانه در اصطلاح رجایی عبارت از هر چیزی است که بر معنایی دلالت کند (چه معنای بسیط یا مفهوم علمی) به هر نحوی که اینک کشف و روشن است یا بعداً کشف می شود. بنابراین نسخه، مصادیق بی شمار دارد. نگا. <hamid-rajaei.com>

[22]. مآلصدرها هدف فلسفه را اینگونه تعریف کرده است: «صیوره الانسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی» یعنی هدف فیلسوف عبارت است از اینکه انسان جهانی بشود عقلی شبیه جهان عینی.

[23]. در این بخش نیز مباحث گسترده ای مطرح است: از جمله مباحث زبان شناختی که در صدد کشف کفایت و رسایی و نارسایی زبان و چگونگی انتقال مفاهیم است.

[24]. به همین رو رسانه شناسی و نظریه رسانه شناخت، بسیار اهمیت دارد.

[25]. البته، رفاه در نگاه انبیاء، بخش کوچکی از سعادت انسان است.

[26]. منظور از «علم انبوه» علمی است که همه جوانب شوون بشری و لوازم برساختن یک تمدن را پوشش می دهد و این اصل را پذیرفته است که نباید علم به احوال جهان پس از مرگ و قیامت و سعادت اخروی را از قلم اندازد و هم نباید اجزاء مورد نیاز برساختن یک تمدن انسانی و الهی را مهجور بدارد.

[27]. علم کلام، مسؤول دفاع و تبیین معرفت دینی است و اما فیلسوف علم، مسؤول تبیین خود علوم است و در واقع امروزه علم کلام، بدون محصولات فلسفه علم، فقیر و ناتوان است. متأسفانه در بومسازگان معرفتی ایران، تبیین و دفاع متکلمانانه از دین، بدون مباحث عمیق معرفت شناختی به پیش رفته است.

[28]. positivism

[29]. structuralism

[30]. historism

releativity .[31]

coherenism .[32]

foundationalism .[33]

[34]. «ژیل دلوز» رویکردی را پیشنهاد می‌کند که «ساختار درختی علم» را فرومی‌ریزد و آن را به صیورورت عَرَضی و متکثر تبیین می‌کند و به وحدت نمی‌انجامد شعار «دلوز» در کتابش (A Thousand Plateaus) این است: زنده باد متعدد! (Long live the multiple!)

[35]. «فلاسفه پوشی (وایتهد و پیروان او) وظیفه فلسفه را پیشنهاد جهان بینی‌ای می‌دانند که همه معارف و شهودات بشری را در برگیرد. آن‌ها این جهان بینی را «ماتریالیسم علمی» (scientific materialism) نامیدند و بر آن شدند تا دوباره شهودات اخلاقی، دینی و زیبایی شناختی را وارد قلمرو فلسفه کنند. این وظیفه دربردارنده دو مرحله است: یکی تردید و نقد انتزاعیاتی که اغراق درباره حقایق علمی را در پی داشته‌اند و بر اساس آن‌ها اصول علمی به نحوی نادرست شکل گرفته‌اند و دیگری پویا تلقی کردن واحدهای بنیادین جهان»

[36]. یادآوری: سپهر معرفت یا کهکشان معرفت اصطلاحی از رجایی است و عبارت است از کهکشانی نرم افزاری که «همه دانسته‌های بشر» کم یا زیاد، در آن حضور دارد و شامل همه نسخه‌ها و فحوای علمی در رسانه‌ها (به معنای عام) و دانسته‌های جمع‌الجمعی بشر می‌شود. نگا. <hamid-rajaei.com>

[37]. تعامل علم ساختی، اصطلاحی از رجایی است و آن هر گونه تأثیر و تأثر میان دو یا چند مفهوم است که به مفهوم یا مفاهیم تازه بیانجامد.

[38]. برای آگاهی تفصیلی‌تر، نگاه کنید به فرهنگنامه برخط رجا، مدخل علم انسانی اسلامی 1397. <hamid-rajaei.com>

[39] در کتاب فلسفه علم برای تبیین علم در مورد خطاهای تصویری و تصدیقی در مسئله تولید علوم انسانی اسلامی مباحثی آمد است.

[40]. برای فهم درست این نظریه گسترده، لازم است کتاب «فلسفه علم برای تولید علم...» از نگارنده مطالعه شود.

[41]. نسخه آزمایشی اصطلاحی از رجایی است و نسخه‌ای است در سپهر معرفت که دانشمندان فعلاً به عنوان «فرضیه» وارد گفتگوی بین‌الذهانی دانش‌سرای می‌کنند. نگا. <hamid-rajaei.com>

[42]. مثلاً امروزه برای تبیین مسئله ادراک، چندین علم، مشارکت می‌کنند تا بتوانند ابعاد گسترده آن را توضیح دهند. به این علوم، علوم شناختی یا می‌گویند. «علوم شناختی (cognitive

science) که به طور ساده به صورت «پژوهش علمی دربارهٔ ذهن و مغز» تعریف می‌شود، شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که از رشته‌های مختلفی مانند روان‌شناسی، فلسفه ذهن، عصب‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم رایانه و هوش مصنوعی و... تشکیل شده است. این علم به بررسی ماهیت فعالیت‌های ذهنی مانند تفکر، طبقه‌بندی و فرایندهای که انجام این فعالیت‌ها را ممکن می‌کند، می‌پردازد. به صورت مشخص‌تر از جمله اهداف اصلی این رشته، پژوهش در زمینه بینایی، تفکر و استدلال کردن، حافظه، توجه، یادگیری، و مباحثی مربوط به زبان می‌باشد» نگا ویکیدیا.

[43]. نگا. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، بخش اول و دوم کتاب.

[44]. حسّ مشترک، در اینجا اصطلاحی از رجایی است و قوه‌ای است که ادراکات متکثر را به نحوی معنادار، انسجام می‌بخشد. این قوه، ادراکات چند مجرایی را نزد نفس مدرک، پیوند می‌دهد و آن را جمعاً درک می‌کند. اکثر ادراکات ما، از پس حسّ مشترک درک می‌شوند. حال این ادراکات ممکن است برای فرد اتفاق بیافتد یا جمع‌نخبگان و در سپهر معرفت یا برای مرد در خیابان. مجاری می‌تواند مجاری حسی، شهودی یا عقلی باشد. شرط لازم و کافی برای ادراکات حسّ مشترک، به اشتراک رسیدن ادراکات در محل واحد است. این محل ادراکی واحد می‌تواند نزد یک مدرک باشد، یا نزد اذهان جمعی دانشسرایان. نگا. <hamid-rajaei.com>

[45]. مفهوم علمی اصطلاحی از رجایی و مفهومی است که در علوم (علوم دینی یا علوم دیگر) به عنوان یک مفهوم تخصصی و تبیین‌کننده، بکار می‌رود و به بیشتر به عنوان «اصطلاح» شناخته می‌شود. در برابر مفاهیم علمی، «مفهوم عرفی» قرار دارد که مفهومی ساده و بسیط است. مانند مفهوم «آب»، «آسمان» و... وقتی در گفتگوهای روزمره بکار می‌رود و در آن، مفاهیم پیچیده و پرجزئیات در نظر گرفته نمی‌شود. مثلاً: در علوم اسلامی، مانند همهٔ مفاهیم تخصصی که نزد فقیهان و اصولیان (وجوب، تجزی، تنجّز، اجتهاد، اصالت البرائة، اصالت الصّحّه، استصحاب و...) متکلمان (وجود حقّ تعالی، جبر، اختیار، نبوّت، عدل الهی، امامت، معاد و...) جامعه‌شناسان اسلامی (پدیدهٔ اجتماعی، امام، امت، ناسوت و ملکوت جامعه، انقلاب، نهضت‌های اصلاح‌گر، سنت‌های جاری بر تاریخ و جوامع، نهاد، اقتضائات متراکم و...) و همچنین مانند دیگر «مفاهیم علمی» در هر علم اسلامی، مانند خداوند، قرآن، نماز، عبودیت، ولایت، امام، نبی، امت و... نگا. <hamid-rajaei.com>

[46]. دیدگاه تعامل و داد و ستد شدید میان علوم موافقان زیادی دارد. اگر چه قرائت‌ها گوناگون است. اما امروزه در کلّ، مورد توجه اندیشمندان بسیاری واقع شده است. مثلاً سید محمد نقیب العطاس در پرتو تقریری که از حوزه‌های علوم دارد، معتقد به دیدگاهی از همین خانواده است. (تعامل و تلائم میان حوزه‌های معرفتی) برخی نیز به بررسی دیدگاه کهکشان‌سازانی پرداخته و مخاطرات آن را یادآور شده‌اند (بخشی از کتاب «فلسفه علم برای تولید علم» اثر حمید رجایی)

[47]. گفته می‌شود که نظریه باید ساده و همه‌فهم باشد. به نظر می‌رسد چنین بایدی، وجود ندارد. نظریه، گاه به ناچار پیچیده می‌شود. زیرا خود مبتنی بر مفاهیم علمی پیچیده است. مثلاً

نظریهٔ نسبیت آینشتاین یا حرکت جوهری و خود بخود ساده نیست. شرط سادگی و همه فهمی برای نظریات، یک شرط ترجیحی است از این نظر که چنین نظریاتی بخت بیشتری برای جذب مخاطبان بسیار دارند. ساده بودن، یک ترجیح و یک فضیلت در بازار دانش است، نه بیشتر.

[48]. دانش ریزوماتیک اصطلاحی از رجایی است و عبارت است از دانش و اطلاعات جانبی ما «دربارهٔ امور پیوسته و متعامل با یک پدیده» مشروط به اینکه بتواند به فهم بهتر آن پدیده و جغرافیای وجودی، ماهوی و تاریخی آن کمک کند.

[49]. لازم به ذکر است که متاسفانه نظریاتی که در کار تبیین معرفت و علم وجود دارد، به نقش جوهری و اساسی نبی اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت صلاوت الله علیه، بی توجه بوده اند. -امام معصوم، جان جهان و قطب علم و خورشید آسمان علوم است. چگونه یک فیلسوف علم م بتواند بدون شناخت امام معصوم و نقش او در عالم، از فلسفه علم سخن بگوید؟!

[50]. شک خوب اصطلاحی از رجایی است و شکی «معرفت‌شناسانه» است و در خودآگاه شناختی، رخ می‌دهد. این شک، از درستی گزاره‌های برهانی اطمینان دارد و آن‌ها را اصل موضوع قرار می‌دهد، ولی همواره برای دستیابی به فهمی بهتر، عمیق‌تر و منسجم‌تر یا کشف راهکاری بهتر، راه‌ها و درها را باز نگه می‌دارد. شک خوب، شکی است که حتی‌المقدور زیربنایی فکری و نه روان‌شناختی و نه زیبایی‌شناختی (استحسانی) دارد. شک خوب، دستیار اندیشمندان خلاق است.

[51]. اندیشنامه (اصطلاحی از رجایی است) نسخه‌ای از تمام دستگاه فکری یک اندیشمند است که بطور منسجم و گویا به جامعه علمی و دانشسرا ارائه می‌شود تا مخاطبان و اهل علم، بطور کامل آراء و دستگاه فکری او را بشناسند. هر اندیشنامه، مربوط به نگارندهٔ آن است و شامل و حاکی از مکتب فکری و سوگیری و روال افکار آن اندیشمند است. بهتر است اندیشنامه به نام همان دانشمند باشد. البته در نگارش، کلمه اندیش‌نامه یا اندیشه‌نامه؛ صحیح (تر) است. اما به نظر می‌رسد وقتی دو کلمه در محاورات بسیار، یک کلمه دانسته شود؛ بویژه اینکه یک اصطلاح هم باشد؛ می‌توان با خاطر آسوده آن را سرهم نوشت. نسخهٔ برخط اندیشنامه بهتر از نسخهٔ برکاغذ است. یک اندیشمند می‌تواند نسخه‌نمایشی یا هر نسخه دیگر را عرضه کند. اما شفافترین و گویاترین نسخه‌ها بهترین آن‌ها است. نگا. <hamid-rajaei.com>

[52]. hamid-rajaei.com

[53]. نسخهٔ آزمایشی (اصطلاحی از رجایی است) نسخه‌ای است در سپهر معرفت که دانشمندان فعلاً به عنوان فرضیه وارد گفتگوی بین‌الذهانی دانشسرای می‌کنند. البته گمانه‌زنی‌ها می‌تواند نسخهٔ بارش فکری یا آزمایشی باشد. نسخهٔ بارش فکری، ضعیف‌تر از آزمایشی است. نسخهٔ پیشنهادی، از همه این‌ها قوی‌تر اما از «نسخهٔ برهانی» بسیار ضعیف‌تر است. نگا. <hamid-rajaei.com>

[54]. اندیشنامهٔ رجاء (اصطلاحی از رجایی است) عنوان نسخه‌ای از تمام دستگاه فکری حمید رجایی است. وی کوشیده است تا به طور منسجم و گویا، «افکار و مکتب و اصول فکری» خود

را به جامعه نخبگانی ارائه کند. از آن جا که هر اندیشنامه، ساخته و مربوط به نگارنده آن است و شامل و حاکی از مکتب فکری و سوگیری و روال کمال افکار هم اوست، بهتر است اندیشنامه به نام نگارنده آن باشد. نظر به اینکه اندیشنامه با نسخهٔ برخط بهتر از نسخه های برکاغذ است، رجایی تلاش کرده است تا اندیشنامه ای برخط ایجاد کند. انتشار این نسخه در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۳ بر تارنمای طلوع مهر (پایگاه علمی حمید رجایی) آغاز شد. نگا. <hamid-rajaei.com>

[55]. 34 سال تحصیل و تدریس در حوزهٔ علمیه قم، کارشناسی ارشد الهیات، کارشناسی ارشد ارتباطات (دانشکده صدا و سیما) و بیست و پنج سال پژوهش و تدریس و دانشگاه و در حوزهٔ علوم انسانی و رسانه و... در رزومه منعکس شده است.

[56]. رسانه ای سازی، شامل تولید متن چند زبانه در سایت و نگارش کتاب، مقاله، پادکست صوتی و احتمالاً ویدئو به حداقل به سه زبان فارسی عربی و انگلیسی، خواهد بود.